

راهکارهای توانمندسازی اقشار کم‌درآمد با تکیه بر

مشاغل خانگی

اسماعیل جهانی دولت‌آباد* ، رحمان جهانی دولت‌آباد**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۰۸

چکیده

در تمام جوامع دارای قشریندی اجتماعی، همواره اقشار کم‌درآمدی یافت می‌شوند که از توانایی اداره کردن زندگی خود و تهیه امکانات حداقلی لازم برای زندگی برخوردار نیستند. این گروه‌ها بیشتر از اقشار دیگر در معرض آسیب‌های مختلف قرار دارند و در مقابل بیماری‌ها، بحران‌های اقتصادی و بلایای طبیعی، آسیب‌پذیرتر از بقیه مردم‌اند. یکی از راهکارهایی که در جوامع امروزی به‌منظور فراهم ساختن زمینه اشتغال این گروه‌ها و کاستن از مشکلات آن‌ها به کار گرفته می‌شود استفاده از ظرفیت مشاغل خانگی است که این امر معمولاً در قالب شرکت‌های تعاونی صورت می‌گیرد. بر همین

* استادیار جامعه‌شناسی گروه تاریخ و جامعه‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی (نویسنده مسئول).

Sml.Jahani@gmail.com

Jahani_Rahman@yahoo.com

** دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی.

اساس، در مطالعه حاضر سعی شده است عملکرد شرکت‌های تعاونی در توانمندسازی اقشار کم‌درآمد از طریق مشاغل خانگی مورد بررسی قرار گرفته و با شناخت نقاط ضعف و قوت این شرکت‌ها، الگویی مطلوب برای توانمندسازی این اقشار ارائه شود. برای این منظور، پرسشنامه محقق ساخته در بین ۳۰ نفر از مدیران شرکت‌های تعاونی فرش دست‌بافت و پرسشنامه AHP در بین ۲۰ نفر از کارشناسان بخش تعاون و مشاغل خانگی توزیع شده و اطلاعات گردآوری شده در قالب مدل‌های سوات (SWOT) و تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاکی از آن است که به‌طور کلی وضعیت توانمندی اقشار کم‌درآمد تحت تأثیر عملکرد ضعیف شرکت‌های تعاونی در حوزه مشاغل خانگی، به‌ویژه از بُعد اقتصادی، چندان رضایت‌بخش نیست. در همین راستا، الگوی پیشنهادی پژوهش حاضر، به‌عنوان یک الگوی اقتصادی، دستیابی به توانمندی اقشار کم‌درآمد توسط تعاونی‌ها و مشاغل خانگی را معلول بکارگیری اقدامات راهبردی تدافعی در ابتدای کار و بهره‌گیری از اقدامات بازنگری، محافظه‌کارانه و تهاجمی در ادامه می‌داند.

واژه‌های کلیدی: توانمندسازی، ایجاد اشتغال، اقشار کم‌درآمد، تعاونی‌ها، مشاغل خانگی

مقدمه و بیان مسئله

با وجود فرصت‌های اجتماعی برابر یا نابرابری که جوامع مختلف برای رشد و ارتقای هر یک از اعضای خود فراهم می‌کنند، همواره و در تمام جوامع بشری دارای قشریندی اجتماعی، گروه‌ها و قشرهایی یافت می‌شوند که از قدرت لازم برای اثربخشی بر تصمیم‌گیری‌های کلیدی مسئولان در جهت بهبود زندگی خود برخوردار نیستند (معیدفر، ۱۳۸۶: ۲) و بیشتر از اقشار دیگر در معرض آسیب‌های مختلف قرار دارند و یا از توانایی اداره کردن زندگی خود و تهیه امکانات حداقلی لازم برای زندگی برخوردار نیستند (هادی زنوز، ۱۳۸۴). این گروه‌ها بدون برخورداری از آزادی‌های

اساسی در انتخاب و عمل و امید به آینده بهتر زندگی می‌کنند. آنان در مقابل بیماری‌ها، بحران‌های اقتصادی و بلایای طبیعی، آسیب‌پذیرتر از بقیه مردم‌اند. نهادهای دولتی یا جامعه نیز غالباً آنان را به‌طور مناسب مورد حمایت قرار نمی‌دهند (World Bank, 2000-2001: 13).

چنین افراد و گروه‌هایی را می‌توان ذیل عنوان اقشار کم‌درآمد گردآورد که با وجود مبارزه با فقر و نابرابری اجتماعی و گسترش عدالت اجتماعی در قالب اهداف اعلام‌شده جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی، همچنان با معضلات عدیده‌ای به‌ویژه در حوزه اشتغال مواجه هستند. افزایش نرخ بیکاری همواره با گسترش انواع آسیب‌های اجتماعی، بزهکاری‌ها، فقر، روسپی‌گری، دختران فراری، بچه‌های خیابانی و ... همراه بوده است. متأسفانه این مسئله در بسیاری از موارد به اعمالی نظیر دزدی، آدم‌کشی، آدم‌ربایی و ... در جامعه نیز منجر می‌شود. بنابراین، نبود فرصت‌های شغلی در جامعه به‌طور اعم و اقشار کم‌درآمد به‌عنوان اقشار آسیب‌پذیر جامعه به‌طور اخص یکی از بزرگ‌ترین معضلاتی است که به‌نوبه خود توازن و تعادل جامعه را به هم می‌ریزد (میر لطفی و همکاران، ۱۳۹۳). از طرفی کارشناسان معتقدند که ریشه بسیاری از بیکاری‌ها عدم استفاده از توانمندی افراد است و با استفاده از توانمندی افراد جامعه و تشویق و ایجاد انگیزه در افراد توانمند، می‌توانیم از بیکاری و معضلات احتمالی حاصل از آن بکاهیم.

اعتقاد به اموری همچون برابری، عدالت، انسان‌دوستی و یا داشتن حق زندگی در نزد جوامع مختلف سبب می‌شود که برنامه‌هایی برای یاری‌رسانی به چنین اقشاری در نظر گرفته شود (معیدفر، ۲: ۱۳۸۶). البته این گروه‌ها برحسب ماهیت مسائل و مشکلات مرتبط با خود، نیازمند کمک و حمایت همه‌جانبه نهادهای دولتی و جامعه به‌طور مشترک هستند. در این راستا بخش‌های خصوصی، سازمان‌های غیردولتی یا شرکت‌های تعاونی ظهور می‌کنند که شکوفایی قابلیت‌های آنها در زمینه توانمندسازی اقشار کم‌درآمد جامعه و فراهم‌سازی شرایط مطلوب در این خصوص بر اساس نظر بسیاری

از اقتصاددانان مستلزم خروج از حاکمیت دولت است (علی پور، ۱۳۸۸). اما در کنار همه این‌ها، مشاغل خانگی نیز می‌توانند به‌عنوان راهکاری مناسب برای کاهش نرخ بیکاری و فراهم ساختن زمینه اشتغال گروه‌های آسیب‌پذیر ایفای نقش داشته باشند (آگهی و همکاران، ۱۳۹۱).

در زمینه مشاغل خانگی، مطالعات انجام‌یافته حاکی از آن است که در کشورهای جهان سوم درصد کمی از زنان روستایی در این زمینه مشغول بکار می‌باشند و متأسفانه کار خانگی این عده نیز در قالب نهاد یا موسسه خاصی تعریف نشده است. چنانچه مثلاً قالبی باقی در سازمان صنایع دستی تعریف شده است و سایر مشاغل به فراموشی سپرده می‌شوند (آگهی و همکاران، ۱۳۹۱). این وضعیت در واقع یکی از مهم‌ترین عواملی است که باعث شده کشور ما با وجود برخورداری از امکانات و منابع طبیعی و انسانی گسترده، با نرخ بالای بیکاری نیز مواجه باشد که به اعتقاد کارشناسان، این مسئله تا حدودی ریشه در عدم استفاده از پتانسیل‌ها و توانمندی‌های افراد دارد، با بهره‌گیری از این توانمندی‌ها می‌توان بیکاری و معضلات احتمالی حاصل از آن را کاهش داد.

با توجه به پتانسیل‌ها و نقش پررنگی که مشاغل خانگی می‌توانند در تحقق این هدف ایفا نمایند، مطالعه حاضر تلاش دارد به شناسایی مشکلات و موانع این حوزه و در نهایت ارائه راهکارهایی در خصوص توانمندسازی اقشار کم‌درآمد با تکیه بر مشاغل خانگی بپردازد. در این پژوهش که با حمایت دانشگاه محقق اردبیلی انجام گرفته به دنبال پاسخگویی به این سؤال هستیم که «نقاط ضعف و قوت شرکت‌های تعاونی و مشاغل خانگی از منظر سامان‌بخشی به مشکلات اقشار کم‌درآمد کدام‌اند و این شرکت‌ها چگونه می‌توانند در توانمندسازی و ایجاد اشتغال برای طبقات کم‌درآمد جامعه عملکرد مؤثرتری داشته باشند؟». به عبارت بهتر، در این مطالعه سعی شده است وضعیت توانمندی و اشتغال اقشار کم‌درآمد مورد بررسی قرار گرفته و از این طریق الگویی مطلوب، البته با تأکید بر مشاغل خانگی، در راستای کاهش مشکلات این اقشار ارائه گردد.

پیشینه پژوهش

- سعدی و حیدری (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای با عنوان «تعاونی‌های کسب‌وکار خانگی در استان همدان (چالش‌ها و راهکارها)» به بررسی چالش‌ها و مشکلات تعاونی‌های کسب‌وکار خانگی پرداخته‌اند. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه اعضای تعاونی‌های کسب‌وکار خانگی استان همدان در سال ۱۳۹۰ بوده که به صورت تمام شماری بررسی شده‌اند. این پژوهش از نوع توصیفی-پیمایشی بوده و با استفاده از پرسشنامه به انجام رسیده است. بر اساس نتایج تحقیق از مجموع ۳۱ مشکل اساسی تعاونی‌ها، پایین بودن سطح درآمد و شرکت نکردن اعضا در کلاس‌های آموزشی در اولویت‌های نخست قرار گرفته‌اند. همچنین، نتایج تحلیل عاملی نشان داده است که مشکلات تعاونی‌های کسب‌وکار خانگی را می‌توان در پنج عامل کلیدی شامل ضعف حمایت‌های دولتی، مشکلات و چالش‌های مدیریتی، ضعف برنامه‌ریزی، مشکلات اقتصادی و تولیدی و ضعف خلاقیت و کارآفرینی، دسته‌بندی کرد.

- در پژوهش دیگری با عنوان «کارآفرینی خانگی: انگیزه‌ها و نقش عوامل جمعیت شناختی بر آن»، خنیفر و همکاران (۱۳۸۹) به شناسایی عوامل (انگیزه‌های) اثرگذار بر تصمیم افراد در کارآفرینی خانگی پرداخته‌اند. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه کارآموزان مرکز فنی و حرفه‌ای یزد به تعداد ۲۵۴ نفر بوده و نتایج آن نشان می‌دهد که پنج عامل (به ترتیب اهمیت: انگیزه‌های کارآفرینانه، خانوادگی، کارجویانه، مالی و اعتقادی) در مجموع بیش از ۶۰ درصد این انگیزه‌ها را تبیین می‌کنند. همچنین، نتایج آزمون مقایسه میانگین‌ها در میان دو جامعه مستقل نشان داده است که بین متغیرهای جنسیت و تأهل با این انگیزه‌ها رابطه معنی‌دار آماری وجود دارد. انگیزه‌های خانوادگی در زنان و متأهلان در مقایسه با مردان و مجردها قوی‌تر بوده و برعکس انگیزه‌های مالی در مردان قوی‌تر از زنان است.

- یعقوبی فرانی و جلیلیان (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان «بررسی اثرات اقتصادی- اجتماعی مشاغل خانگی زنان روستایی در شهرستان اسلام‌آباد» به موضوع مشاغل خانگی پرداخته‌اند. نمونه مورد بررسی مشتمل بر ۱۴۰ نفر از زنان صاحب کسب‌وکار در مناطق روستایی شهرستان اسلام‌آباد غرب بوده و بر مبنای نتایج تحلیل عاملی، مهم‌ترین تأثیرات اقتصادی مشاغل خانگی بر زندگی زنان روستایی در چهار دسته کلی شامل: بهبود وضعیت اقتصادی خانواده، افزایش آگاهی‌های اقتصادی، افزایش استقلال مالی و ارتقاء قدرت ریسک‌پذیری و نوآوری تقسیم‌بندی شده و مقدار واریانس جمعی تبیین شده توسط این چهار عامل ۴۶ درصد می‌باشد.

در پژوهش دیگری با عنوان «بررسی موانع و راهکارهای مناسب توسعه مشاغل خانگی روستایی شهرستان اسلام‌آباد غرب»، تقی بیگی و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی راهکارهای مناسب توسعه مشاغل خانگی از دیدگاه زنان روستایی و کارشناسان پرداخته‌اند. جامعه آماری این پژوهش شامل ۱۵۰۰۰ زن روستایی و ۵۰ کارشناس صاحب‌نظر در زمینه مشاغل خانگی بوده و حجم نمونه بر اساس جدول مورگان ۳۷۵ نفر برای زنان روستایی و ۵۰ نفر کارشناس تعیین گردیده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار SPSS نشان داده است که مهم‌ترین موانع توسعه مشاغل خانگی از دید زنان به ترتیب موانع شخصیتی، فردی، اقتصادی، خانوادگی و دولتی است. از دید کارشناسان نیز، مهم‌ترین این موانع به ترتیب موانع خانوادگی، فردی، شخصیتی، دولتی، و اقتصادی هستند. نتایج مطالعات همبستگی، ارتباط مثبت و معناداری را بین عضویت در تشکل‌ها، سطح تحصیلات زنان و توسعه مشاغل خانگی با احتمال خطای ۰/۱ نشان می‌دهند.

- آگهی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر توسعه مشاغل خانگی زنان روستایی» به این نتیجه رسیده‌اند که مهم‌ترین متغیرهایی که باعث توسعه مشاغل خانگی می‌شوند از دید زنان عبارت‌اند از: داشتن مهارت، تخصص و تجربه، انگیزه کسب استقلال بیشتر، معرفی و دیدار با الگوها و افراد موفق و

از منظر کارشناسان شامل برگزاری کلاس‌های آموزشی، رفع نیاز مالی زنان و ایجاد بازار محلی برای فروش محصولات می‌باشد.

- نجفی و صفا (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان «بررسی کسب‌وکارهای خانگی کارآفرینانه و موانع و چالش‌های توسعه آن‌ها در مناطق روستایی» با توجه به مسائل موجود در حوزه مشاغل خانگی به این نتیجه رسیده‌اند که مهم‌ترین موانع و چالش‌های توسعه کسب‌وکارهای خانگی کارآفرینانه در مناطق روستایی عبارت‌اند از: عدم وجود طرح کسب‌وکار مناسب، نبود تجربه و تخصص لازم در روستاییان، عدم دسترسی مناسب روستاییان به بازار، عدم دسترسی به اطلاعات و منابع اطلاعاتی، عدم تأمین اعتبار مالی جهت سرمایه‌گذاری کسب‌وکار خانگی و وجود برخی موانع قانونی.

- دهقان پور و خسروی پور (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان «کارآفرینی در بخش کشاورزی از طریق ایجاد و گسترش مشاغل خانگی» به این نتیجه رسیده‌اند که قانون ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی که در سال ۱۳۸۹ تصویب گردید، بستری برای تسهیل کارآفرینی در بخش‌های مختلف اقتصاد ایران از جمله بخش کشاورزی فراهم کرده است. در این مطالعه، ضمن بررسی فرصت‌های کسب‌وکار خانگی در بخش کشاورزی، چارچوب‌هایی که قانون مزبور به‌منظور تحقق کارآفرینی بر آن تأکید داشته است و استلزامات مورد نیاز برای نهادینه کردن آن بیان گردیده است.

- میر لطفی و همکاران (۱۳۹۳) مطالعه‌ای با عنوان «آسیب‌شناسی اثرات توسعه مشاغل خانگی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: روستاهای بخش دیشموک شهرستان کهگیلویه)» به انجام رسانده‌اند. بر اساس نتایج حاصل، مشکلات و چالش‌های مورد آزمون (از نظر پاسخگویان) با درجات متفاوتی در جهت تضعیف توسعه مشاغل خانگی مؤثر هستند. مشکل خرید ارزان محصولات با میانگین ۸۸/۴ دارای بیشترین تأثیر است و حمایت نکردن مسئولان و نبود حمایت مالی به ترتیب با میانگین‌های ۸۱/۴ و ۵۹/۴ در رتبه‌های بعدی بودند و کمترین تأثیر از دیدگاه پاسخگویان مربوط به موانع قانونی با میانگین ۵۶/۱ بوده است.

- الشبامی^۱ (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای با عنوان «نقش مؤسسات مالی در توانمندسازی زنان فقیر در یمن» به بررسی برخی متغیرهای تأثیرگذار بر توانمندسازی زنان یمنی پرداخته است. هدف این مطالعه شناسایی چالش‌های پیش روی توانمندسازی زنان در یمن است. این مقاله بر پایه داده‌های ثانویه استوار بوده و داده‌های مورد نیاز آن از سوابق برنامه‌های دولتی یمن، صندوق توسعه اجتماعی، گزارش‌های مالی، وب سایت‌ها، گزارش‌های دولتی رسمی و دیگر منابع جمع‌آوری شده است. این مطالعه یک دوره زمانی ۱۷ ساله بین سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۳ را پوشش می‌دهد و منطقه مورد مطالعه آن یمن است. نتیجه این مطالعه نشان می‌دهد که گرچه برنامه و حمایت‌های مالی تأثیر مستقیم بر وضعیت زنان دارد، اما در بحث توانمندسازی زنان عوامل دیگر از قبیل آداب‌ورسوم، سنت‌ها، سواد و تحصیلات، ادراکات غلط مذهبی و... نیز نقش بسزایی ایفا می‌کنند. با این وجود، نتیجه این مطالعه در خصوص مشکلات و چالش‌های توانمندسازی زنان در یمن نشان می‌دهد زنانی که تحت پوشش مؤسسات مالی مختلف بوده و در برنامه‌های مالی مختلف عضویت دارند، در سایر جنبه‌ها تجربه توانمندسازی موفق‌تری را تجربه می‌کنند.

- گووای^۲ (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی تأثیر جنبش تعاونی در توسعه روستایی در کنیا» به بررسی تأثیرات جنبش تعاون بر توسعه روستایی در کنیا پرداخته است. این مطالعه از نوع توصیفی بوده و به صورت میدانی انجام شده است که در آن پژوهشگر از پرسشنامه ساخت‌یافته و مصاحبه‌های چهره به چهره برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده کرده است. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که تعاونی‌های کشاورزی با ایجاد اشتغال دائم و موقت برای افراد ماهر و غیرمتخصص، ایجاد حمایت‌های مالی در خصوص افراد بیکار، آن‌ها را قادر می‌سازد تا در فعالیتهای کوچک مقیاس شرکت کنند و ایجاد

1. Alshebami
2. Gweyi

اعتماد و آگاهی در بین مردم محلی، نقش مهمی در کاهش بیکاری در کنیا ایفا کرده‌اند. نتایج همچنین حاکی از آن است که تعاونی‌های کشاورزی نقش حیاتی در حفاظت از محیط‌زیست و جلوگیری از تخریب آن از طریق آگاهی‌بخشی زیست‌محیطی به اعضای خود ایفا می‌نمایند.

- اولابیسی^۱ و همکاران (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای پیمایشی با عنوان «تأثیر عضویت در تعاونی در توانمندسازی اقتصادی مردم در ایالت اوسون نیجریه» که در بین ۳۷۵ نفر از اهالی ایالت اوسون نیجریه انجام داده‌اند به بررسی تأثیر عضویت در تعاونی بر توانمندی اقتصادی افراد پرداخته‌اند. این مطالعه با استفاده از آمار توصیفی و مدل استنباطی رگرسیون، آزمون t و آنالیز واریانس انجام گرفته و نتایج حاصل از آن نشان داد که متغیرهای اقتصادی پاسخ‌دهندگان عامل تعیین‌کننده برای عضویت آن‌ها در شرکت‌های تعاونی است. همچنین معلوم شد که اعضای تعاونی‌ها در ایالت اوسون در بسیاری از عرصه‌های مختلف توانمندسازی اقتصادی که برای آن‌ها قابل دسترسی است فعال هستند. یافته‌ها همچنین نشان داد که فعالیت‌های توانمندسازی اقتصادی تأثیر مثبتی بر سطح مهارت‌های کارآفرینی کسب شده توسط اعضای تعاونی‌ها در ایالت اوسون دارد. این مطالعه در نهایت برای تقویت توانمندی اقتصادی افراد عمل به توصیه‌های زیر را ضروری می‌داند: شرکت‌های تعاونی آموزش بزرگسالان را به‌عنوان بخشی از برنامه توانمندسازی خود در نظر بگیرند. تعاونی‌ها مهارت‌های نوآورانه و برنامه‌هایی را اجرا نمایند که وضعیت اقتصادی اعضا را تقویت کند. از آنجاکه عضویت در تعاونی‌ها در افزایش سطح درآمد افراد مؤثر است، افراد اگر بخواهند معیشت خود را بهبود ببخشند باید برای پیوستن به شرکت‌های تعاونی ترغیب شوند.

مبانی نظری

بعد از جنگ جهانی دوم گرایش حاکم در نظریات توسعه، به‌طور کلی، متوجه مقابله با فقر و بهبود شرایط زندگی مردم بود و جوامع انسانی به‌منظور دستیابی به توسعه پایدار، توانمندسازی و ظرفیت‌سازی را به‌عنوان کانون و پارادایم^۱ جدید مورد توجه قرار دادند (افتخاری و سجاسی، ۱۳۸۹). از این دیدگاه پدیده فقر، نه لزوماً به معنای فقر درآمدی، بلکه به معنای محرومیت از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن و فرصت برای یک زندگی شرافتمندانه است (شادی طلب و دیگران، ۱۳۸۴). توانمندسازی معادل واژه لاتین (empowerment) به معنای کسب قدرت یا واگذاری و محول کردن انجام کاری معین به‌منظور هدفی مشخص است (Mubashir, 1991: 99). در واژه‌نامه انگلیسی آکسفورد، توانمندسازی به معنای اعطای قدرت به مردم بیان شده است و اعطای قدرت به مردم یعنی ارتقای توانایی و توانا ساختن آنان برای انجام، عمل و اقدام. بنابراین توانمندسازی عبارت است از دسترسی به ابزارها و امکاناتی که با استفاده از آنها افراد بتوانند سرنوشت خود را تعیین کنند و آن را به‌پیش ببرند (Eklud, 1999, 45).

چن (۲۰۰۴) توانمندی را با تحول در منابع، برداشت‌ها و روابط قدرت مشخص می‌کند (شادی طلب و همکاران، ۱۳۸۴). کلر^۲ و ام بی وو^۳ توانمندسازی زنان را فرایندی تعریف می‌کنند که زنان طی آن برای سازماندهی خودشان توانمند می‌شوند، اعتماد به‌نفس خود را افزایش می‌دهند و از حقوق خود برای انتخاب مستقل و کنترل بر منابعی که منجر به از بین رفتن جایگاه فرودستی آنها می‌شود؛ دفاع می‌کنند (کتابی و همکاران، ۱۳۸۴). بر اساس تئوری "پائولو فریر"^۴، فرایندی مطرح می‌شود که طی آن محرومان می‌توانند با ساختارهای قدرت درگیر شده و کنترل زندگی‌شان را به دست گیرند. بر اساس نظریه تواناسازی سارا لانگه^۴، برآورده ساختن نیازهای اساسی از

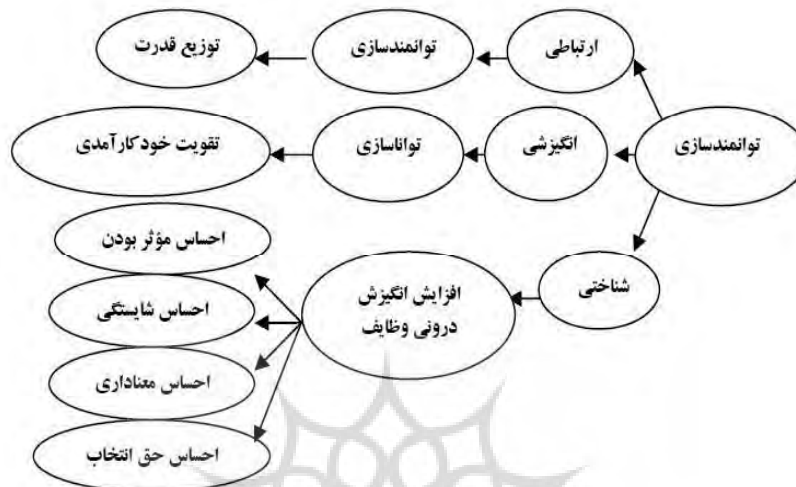
-
1. Paradigm
 2. Kelle
 3. Mbwewe
 4. longew

حقوق اولیه تمام افراد است و هر فردی باید امکان این را داشته باشد که از تمام توانایی‌ها و خلاقیت‌های خود استفاده کند. برای این چارچوب نظری پنج مرحله رفاه، دسترسی، آگاه‌سازی، مشارکت و کنترل مشخص شده است (اشتری، ۱۳۸۲: ۱۲۷). از نظر نلی استرام کویست^۱ نیز توانمندسازی مفهومی اجتماعی-سیاسی است که باید شامل اجزای شناختی، روانی، اقتصادی و سیاسی باشد (Stromquist, 1995: 15).

طبق نظریه توانمندسازی نایلا کبیر، توسعه توانایی افراد برای انتخاب‌های استراتژیک در زندگی در یک بستر معین و در جایی که این توانایی سابق بر آن ممنوع و یا نهی شده باشد رخ می‌دهد. چارچوب نظری نایلا کبیر را سه عنصر تشکیل می‌دهد: منابع، عاملیت و دستاوردها. برخی با استناد به ادبیات موضوع، توانمندسازی را شامل سه رویکرد ارتباطی به معنای تفویض اختیار و فرایندی (بلانچارد و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۰۶؛ Foy, 1997: 25; Bowen & Lawler, 1992: 35; Schoell et al, 1993: 213)، انگیزشی به معنای افزایش حق تعیین فعالیت‌های کاری و خودکارآمدی (Conger & Kanungo, 1998: 474)، و شناختی یعنی افزایش انگیزش درونی وظایف محوله به افراد در یک مجموعه از ویژگی‌های شناختی یعنی مؤثر بودن^۲، شایستگی^۳، معناداری^۴ و حق انتخاب^۵ می‌دانند (Spritzer, Kenneth & Velthouse, 1990, 667; Robbins, 1993, 680; Robbins, 1995, 1443) که جزئیات این رویکردها در شکل زیر نمایش داده شده است:

-
1. Nelly Stromquist
 2. Impact
 3. Competency
 4. Meaning
 5. Choice

نمودار ۱- رویکرد توانمندسازی



نمودار بالا به گونه‌ای دیگر قابل تقسیم‌بندی از سوی صاحب‌نظران مربوط به هر کدام می‌باشد که اطلاعات مربوط بدان در جدول شماره ۱ قابل مشاهده است.

جدول ۱- نظریات ارائه‌شده درباره توانمندسازی در یک نگاه

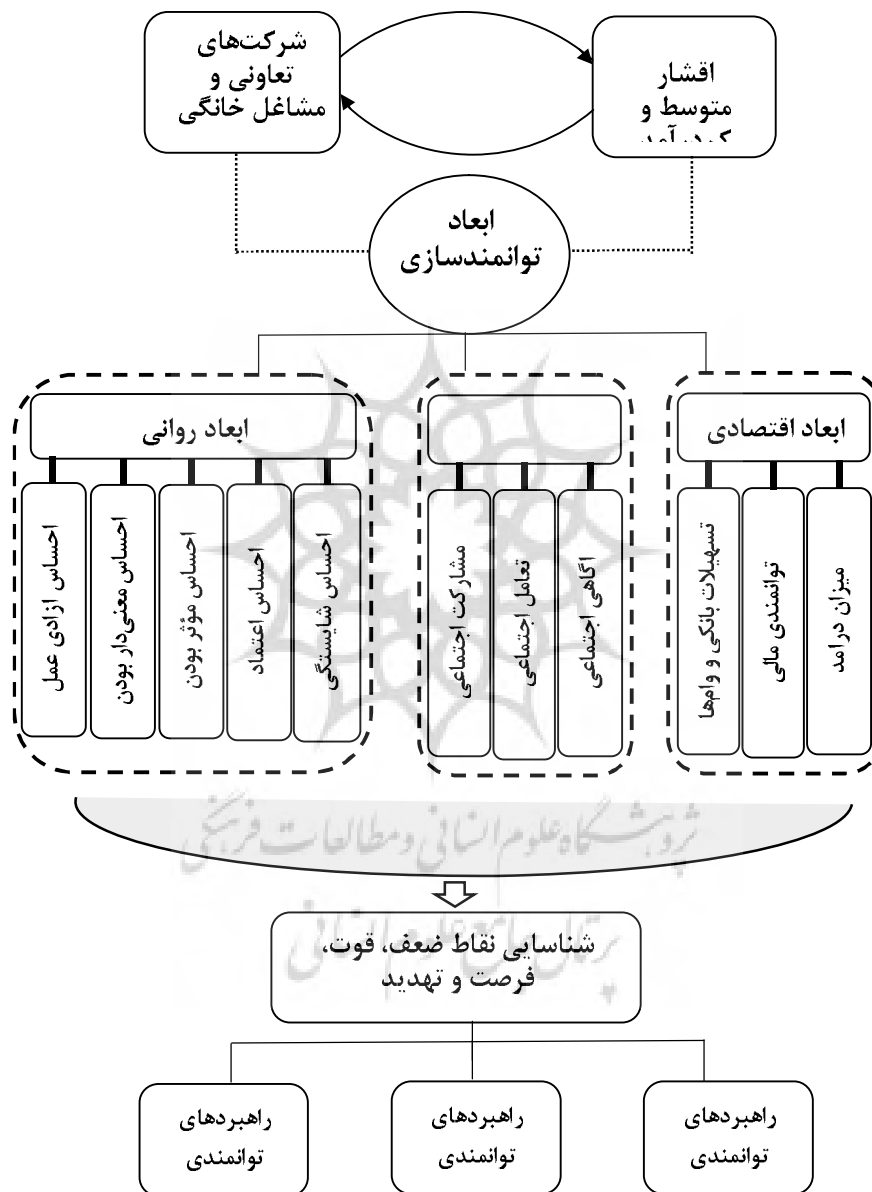
دیدگاه‌ها	ابعاد	معیارها	نظریه پردازان
مکانیکی	قدرتمند کردن افراد	تفویض قدرت به زیردستان	فوی (۱۹۹۷)، بلانچارد و همکاران (۱۹۹۶)، شوول (۱۹۹۳)
ارگانیکی	افزایش انگیزه	احساس خودکارآمدی (شایستگی)	کانگر و کاتانگو (۱۹۹۸)
	شناختی	افزایش انگیزش درونی	توماس و ولتهوس (۱۹۹۰) اسپریتزر (۱۹۹۵)
		احساس اعتماد	وتن و کمرون (۱۹۹۸)

مأخذ: نگارنده

همان‌طور که مشاهده می‌شود پژوهشگران یادشده به ابعاد مختلفی از مفهوم توانمندسازی اشاره نموده‌اند که قرار دادن این ابعاد در کنار یکدیگر می‌تواند به شفاف شدن و شناسایی بهتر این مفهوم از زوایای مختلف کمک کند. برای مثال برخی از اندیشمندان این حوزه به جنبه‌های شناختی توانمندسازی تأکید دارند و مواردی از جمله احساس شایستگی، احساس مؤثر بودن و احساس آزادی عمل را جزء مؤلفه‌های اصلی مفهوم توانمندسازی به شمار می‌آورند. یا برخی دیگر، مؤلفه‌های انگیزشی را مورد توجه قرار داده و آن را عنصری کانونی در بحث توانمندسازی تلقی نموده‌اند. اما نکته قابل تأمل در جدول ۱ این است که اغلب مؤلفه‌هایی که در این جدول مورد اشاره قرار گرفته‌اند، بیشتر بر «بُعد روان‌شناختی» توانمندسازی تمرکز دارد و سایر ابعاد این مفهوم کمتر مورد توجه پژوهشگران بوده‌اند.

این در حالی است که «بُعد اجتماعی» توانمندسازی در نظریات بسیاری از اندیشمندان توانمندسازی مانند: سارا لانگه، نایلا کبیر و استرام کویست به شدت مورد توجه قرار گرفته و عناصری مانند آگاهی بخشی، تعامل و مشارکت اجتماعی جزء مؤلفه‌های مهم توانمندسازی قلمداد شده‌اند. به عبارت بهتر، در این نظریه‌ها بر آگاه‌سازی و نیز قدرت پیوندها، تعاملات و مشارکت‌های اجتماعی در توانمند ساختن افراد تأکید شده است. از سوی دیگر، وجود عناصری مانند رفاه و دسترسی (لانگه، ۱۳۷۶)، منابع و داشته‌ها (کبیر، ۱۳۸۹)، توانایی اقتصادی (Stromquist, 1995)، در بین مؤلفه‌های مربوط به توانمندسازی به تعبیری حاکی از این واقعیت است که «بعد اقتصادی» همواره از وزن و اهمیت وافر در بحث توانمندسازی برخوردار است و هیچ مطالعه‌ای در خصوص توانمندسازی افراد بدون توجه به این مؤلفه کامل نخواهد بود.

شکل ۱- مدل مفهومی تحقیق



بنابراین، پس از بررسی نظریات و دیدگاه‌های نظری مطرح‌شده در خصوص مفهوم توانمندسازی، مدل مفهومی مطالعه حاضر ساخته و پرداخته شده است که این مدل با استناد به نظریات بررسی‌شده، مفهوم توانمندسازی را در یک بیان کلی شامل سه مقوله اصلی توانمندی اقتصادی، توانمندی اجتماعی و توانمندی روانی در نظر می‌گیرد. همچنین، مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده هر کدام از مقولات یادشده نیز مطابق با آنچه در بخش حاضر ذکر شد، از ادبیات موضوع استخراج‌شده و در کنار هم مدل مفهومی این پژوهش را شکل داده‌اند. این مدل، توانمندسازی اقشار کم‌درآمد را در سه حوزه روانی، اجتماعی و اقتصادی قابل حصول می‌داند و بر همین اساس، راهبردهای ارتقاء توانمندی این افراد را نیز در همین سه عرصه ترسیم می‌کند.

روش‌شناسی

- روش تحقیق: مطالعه حاضر از نظر هدف، پژوهشی کاربردی و برحسب ماهیت پژوهش، توصیفی-تحلیلی زمینه‌یاب (پیمایش^۱) می‌باشد.
- تکنیک گردآوری اطلاعات: برای گردآوری اطلاعات علاوه بر مطالعه اسناد، از دو ابزار، شامل پرسشنامه محقق ساخته جهت اجرای پیمایش و پرسشنامه AHP جهت وزن‌دهی و اولویت‌بندی عوامل راهبردی بهره گرفته شده است.
- جامعه آماری: شرکت‌های تعاونی فعال در زمینه تولید و به‌طور خاص شرکت‌های تعاونی فرش دستباف به دلیل گستردگی در سراسر کشور و نیز سهم قابل توجه اشتغال در این بخش به‌عنوان جامعه مورد بررسی انتخاب شد.
- نمونه آماری: از آنجاکه شرکت‌های تعاونی فرش دستباف در سراسر کشور از اساسنامه، ساختار و مکانیسم عمل مشابهی پیروی می‌کنند و مسائل و مشکلات مشترکی پیش روی این شرکت‌ها قرار دارد، بنابراین تعداد ۳۰ مورد از تعاونی‌های

فرش دستباف فعال در شهر تهران به‌عنوان نمونه مورد بررسی در مطالعه حاضر انتخاب شد و پرسشنامه محقق ساخته در میان مدیران این تعاونی‌ها برای گردآوری و شناسایی نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید پیش روی شرکت‌ها از منظر توانمندسازی اقشار کم‌درآمد توزیع شد. همچنین، پرسشنامه AHP (پرسشنامه خبره) نیز به‌منظور وزن‌بندی و اولویت‌بندی عوامل راهبردی مستخرج از مدل سوات در بین ۲۰ نفر از کارشناسان بخش تعاون و مشاغل خانگی توزیع شد.

- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات: برای بررسی وضعیت توانمندسازی اقشار کم‌درآمد به‌واسطه شرکت‌های تعاونی و مشاغل خانگی، از تکنیک برنامه‌ریزی راهبردی - ساختاری (SWOT) و برای اولویت‌بندی عوامل راهبردی استخراج‌شده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) استفاده شده است.

- اعتبار ابزار سنجش: اعتبار ابزار سنجش به طریق محتوایی حاصل شده و برای این منظور از نظر ۶ نفر از مسئولین و کارشناسان محترم شرکت‌های تعاونی وابسته به وزارت کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استفاده شده است. این کار در دو مرحله انجام گرفت. در مرحله اول، شاخص‌های پژوهش پس از نهایی شدن در قالب جدولی فهرست شده و جهت ارزیابی و نقد در اختیار کارشناسان یادشده قرار گرفت. در نتیجه این مرحله جرح و تعدیل‌هایی در کمیت و کیفیت شاخص‌ها ایجاد شد. نسخه بازنگری شده شاخص‌ها در قالب پرسشنامه‌های مربوطه تنظیم شده و این پرسشنامه‌ها جهت نقد و بررسی در مرحله دوم در اختیار کارشناسان قرار گرفت. پس از اعمال نقطه نظرات مطرح‌شده، پرسشنامه‌های نهایی از سوی کارشناسان مورد تأیید قرار گرفته و جهت اجرا در بین نمونه مورد بررسی توزیع شد.

تعاریف عملیاتی متغیرها: با توجه به مباحث مطرح شده و همچنین با توجه به هدف پژوهش که ارائه الگوی توانمندی اقشار کم‌درآمد به‌واسطه تعاونی‌ها و مشاغل خانگی است، سعی شد از شاخص‌های مستخرج از مدل مفهومی پژوهش که به‌نوعی پوشش‌دهنده عملکرد تعاونی‌ها در توانمندسازی اقشار مورد مطالعه می‌باشند استفاده

شود. شاخص‌ها و متغیرهای مورد استفاده برای توانمندی اقتصادی-اجتماعی (مامورت، ۲۰۰۴؛ فرجی سبکیار و همکاران، ۱۳۸۸؛ محمدی، ۱۳۸۷؛ سروش مهر و همکاران، ۱۳۸۹؛ شادی طلب، ۱۳۸۳؛ شکوری و همکاران، ۱۳۸۶) و توانمندی روان‌شناختی (Bandura, 2000; Spreitzer, 1995, Spreitzer et al, 1997) در این پژوهش در جدول شماره ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲- شاخص‌های مورد مطالعه

ابعاد	مؤلفه‌ها	معرف‌ها
اقتصادی	میزان درآمد و توانایی مالی	درآمد کافی، رضایت شغلی، قدرت پس‌انداز، اعتبار و سرمایه مناسب، توانایی تأمین هزینه‌های تولید، توانایی فروش محصول به قیمت مناسب، توانایی مالی و اقتصادی تولید محصول.
	دسترسی به وام و تسهیلات دیگر	وام و تسهیلات، ابزار و تجهیزات کار جهت بهره‌وری تولید، خدمات رفاهی در زمینه فعالیت شغلی، محیط کاری و شغلی مناسب.
اجتماعی	آگاهی اجتماعی	آگاهی از وضعیت بازار محصول، آگاهی از تکنولوژی‌های جدید، آگاهی از جنبه‌های مختلف حمایت‌های دولتی، برخورداری از دانش و مهارت تخصصی.
	تعامل اجتماعی	تعامل و همکاری با آشنایان، تعامل و همکاری با سایر افراد، تعامل و همکاری با تشکل‌های فعالیتی.
	مشارکت اجتماعی	مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، مسئولیت‌پذیری در راه‌اندازی کسب‌وکارهای جدید، آشنایی با قوانین و مقررات کسب‌وکارهای جدید.
روانی	احساس شایستگی	توانایی انجام دادن موفقیت‌آمیز کار و تسلط بر مهارت‌های انجام کار.
	احساس اعتماد	محیط کاری امن و صادق و استانداردهای اخلاقی-شخصی.
	احساس مؤثر بودن	تأثیرگذاری در محصول خروجی و مورد توجه قرار گرفتن نظرات.
	احساس معنی‌دار بودن	اهمیت و معنادار بودن کار انجام شده.
	احساس آزادی عمل	آزادی عمل در تصمیم‌گیری و فعالیت.

یافته‌ها

قسمت اول- نتایج حاصل از تحلیل SWOT

جداول شماره ۳ تا ۶ فرصت‌ها، تهدیدها، نقاط قوت و ضعف فراوی شرکت‌های تعاونی و مشاغل خانگی در توانمندسازی اقشار کم‌درآمد بر اساس زمینه‌های تعریف‌شده در مبحث روش‌شناسی تحقیق ارائه گشته است.

جدول ۳- نتایج تجزیه و تحلیل عوامل خارجی (فرصت‌ها) در برنامه‌ریزی (EFE)

ردیف	فرصت‌ها	ضریب	نمره	وزن نهایی
۰۱	اعطای تسهیلات و اعتبارات به تعاونی‌ها در خصوص طرح توجیهی آن‌ها	۰,۱۱۸	۴	۰,۴۷۲
۰۲	حمایت دولت از بخش تعاونی طبق اصل ۴۴ قانون اساسی	۰,۱۰۵	۴	۰,۴۲
۰۳	وجود قوانین و مقررات اجرایی گوناگون در حمایت از تعاونی‌ها	۰,۰۵۶	۳	۰,۱۶۸
۰۴	نظارت دقیق بانک‌های عامل در زمان پرداخت تسهیلات	۰,۰۰۷	۱	۰,۰۰۷
۰۵	تمایل بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در شبکه‌های تعاون	۰,۰۳۹	۳	۰,۱۱۷
۰۶	وجود سازمان‌های زی ربط در حمایت از بخش تعاون	۰,۰۵۲	۳	۰,۱۵۶
۰۷	وجود بازارهای داخلی و خارجی جهت فروش و عرضه محصولات تعاونی	۰,۰۴۳	۳	۰,۱۲۹
۰۸	وجود سرمایه‌های کوچک مردم در حوزه‌های مختلف فعالیت‌های اقتصادی	۰,۰۲۷	۲	۰,۰۵۴
۰۹	از بین رفتن بخشی از تحریم‌های وسیع در بازار تولید و فروش محصولات	۰,۰۵۲	۳	۰,۱۵۶
۰۱۰	وجود تجهیزات و تکنولوژی‌های جدید تولید و فروش	۰,۰۱۲	۲	۰,۰۲۴
۰۱۱	انجام مطالعات علمی و پژوهشی در زمینه جایگاه تعاون	۰,۰۱۱	۲	۰,۰۲۲
۰۱۲	برگزاری جلسات آموزشی توسط سازمان‌های مربوط برای ارکان تعاونی	۰,۰۲۶	۲	۰,۰۵۲

راهنکارهای توانمندسازی اقشار کم‌درآمد با ... ۱۲۱

۰,۱۸۳	۳	۰,۰۶۱	همکاری سازمان‌های مختلف برای رفع مشکلات تعاونی‌ها	۱۳
۰,۰۸۱	۳	۰,۰۲۷	وجود فراکسیون تعاون در مجلس برای رفع مشکلات قانونی بخش تعاون	۱۴
۰,۰۷۵	۳	۰,۰۲۵	وجود پتانسیل بالای نیروی تحصیل‌کرده و جویای شغل	۱۵
۰,۰۰۲	۲	۰,۰۱۰	استفاده از دستاوردهای علمی سایر کشورها	۱۶
۰,۰۳۶	۲	۰,۰۱۸	دسترسی به امکانات آموزشی عمومی جهت توسعه فرهنگ تعاون و دانش اجتماعی و قوانین	۱۷
۰,۰۰۷	۱	۰,۰۰۷	آگاهی و شناخت بخش تعاون از طریق نشریات و رسانه‌های عمومی	۱۸
۰,۰۰۹	۱	۰,۰۰۹	بهرمندی از تکنولوژی ارتباطات و شبکه‌های مجازی در امور تعاون	۱۹
۰,۳۷۲	۴	۰,۰۹۳	تلاش دولت در جهت تحقق توسعه همه‌جانبه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و روانی	۲۰
۰,۶۷۲	۴	۰,۱۶۸	در اولویت قرار دادن قشر محروم و آسیب‌پذیر در برنامه‌های توسعه	۲۱
۰,۰۱۴	۲	۰,۰۰۷	تبلیغات گسترده جهت شناسایی تعاونی‌های موفق	۲۲
۰,۰۱۲	۲	۰,۰۰۶	شریک کردن افراد بر اساس حرفه‌شان و کنترل کار و کارگاه توسط فرد	۲۳
۰,۰۴۴	۲	۰,۰۲۲	امکان اثربخشی تعاونی در ویژگی‌های شخصیتی و ارتقاء کیفیت زندگی	۲۴
۳,۳۰۲			جمع	

عمده‌ترین فرصت‌های پیش‌روی شرکت‌های تعاونی و مشاغل خانگی در راستای توانمندسازی اقشار کم‌درآمد بر اساس جدول ۳ به ترتیب اولویت عبارت‌اند از: در اولویت قرار دادن قشر محروم و آسیب‌پذیر در برنامه‌های توسعه (۲۱)، اعطای تسهیلات و اعتبارات به تعاونی‌ها در خصوص طرح توجیهی آن‌ها (۱)، حمایت

دولت از بخش تعاونی طبق اصل ۴۴ قانون اساسی (O۲). ضعیف‌ترین فرصت‌ها نیز عبارت‌اند از: نظارت دقیق بانک‌های عامل در زمان پرداخت تسهیلات (O۴)، آگاهی و شناخت بخش تعاون از طریق نشریات و رسانه‌های عمومی (O۱۸)، بهره‌مندی از تکنولوژی ارتباطات و شبکه‌های مجازی در امور تعاون (O۱۹) و شریک کردن افراد بر اساس حرفه‌شان و کنترل کار و کارگاه توسط فرد (O۲۳).

تهدیدهای حاکم بر تعاونی‌ها در راستای توانمندسازی اقشار فقیر برحسب ضریب، نمره و وزن نهایی مربوط به هرکدام در جدول شماره (۴) قابل‌مشاهده و تحلیل است.

جدول ۴- نتایج تجزیه و تحلیل عوامل خارجی (تهدیدها) در برنامه‌ریزی (EFE)

ردیف	تهدیدها	ضریب	نمره	وزن نهایی
T۱	عدم توجه کافی دولت در عمل به تحقق اهداف اقتصادی بخش تعاون	۰,۱۰۲	۴	۰,۴۰۸
T۲	پایین بودن نظارت وزارتخانه و سازمان‌های مربوط روی کیفیت کار تعاونی	۰,۰۱۱	۲	۰,۰۲۲
T۳	مصادره اموال شرکت توسط بانک به علت عدم پرداخت بموقع اقساط	۰,۰۰۷	۲	۰,۰۱۴
T۴	وجود رانت در دولت و ممانعت از قدرت‌گیری تعاونی‌ها	۰,۱۲۸	۴	۰,۵۱۲
T۵	رقابت‌های بین‌المللی و فرامحلی و عدم قدرت اعضاء در مقابل آن‌ها	۰,۰۱۹	۳	۰,۰۵۷
T۶	عدم ثبات اقتصادی و سیاسی کشور	۰,۱۶۸	۴	۰,۶۷۲
T۷	تسهیلات اعتباری با درصد بالا و بازپرداخت سریع آن با شرایطی نابرابر	۰,۰۳۳	۴	۰,۱۳۲
T۸	سوء استفاده مالی و اعتباری از سیاست‌های توسعه تعاونی‌ها	۰,۰۸۰	۳	۰,۲۴
T۹	موازی کاری در امور مربوط به بخش تعاون	۰,۰۷۲	۴	۰,۲۸۸
T۱۰	بی‌اعتمادی به دولت و قانون به واسطه تخلف تعاونی‌ها	۰,۰۵۰	۳	۰,۱۵

راهکارهای توانمندسازی اقشار کم‌درآمد با ... ۱۲۳

۰,۲۰۴	۳	۰,۰۶۸	دخالت دولت در امور تعاونی به‌جای حمایت و اقدام مفید برای آن‌ها	T ۱۱
۰,۰۲۸	۲	۰,۰۱۴	عدم برگزاری کلاس‌های آموزشی در خصوص تخصص و گرایش تعاونی‌ها	T ۱۲
۰,۰۳۸	۲	۰,۰۱۹	محدودیت سازمان‌های مربوط به تعاون در ارائه تسهیلات به تعاونی‌ها	T ۱۳
۰,۱۳۲	۳	۰,۰۴۴	توسعه‌نیافتگی فرهنگ تعاون و عدم شناخت توانمندی‌ها و مزایای آن	T ۱۴
۰,۱۱۴	۳	۰,۰۳۸	رواج نگرش منفی در اهمیت پایین شرکت‌های تعاونی و اهدافشان	T ۱۵
۰,۰۲۲	۲	۰,۰۱۱	تعدد قوانین حاکم بر تعاونی‌ها و عدم یکپارچگی در جنبش تعاونی‌ها	T ۱۶
۰,۱۱۱	۳	۰,۰۳۷	از بین رفتن انگیزه در تشکیل تعاونی‌ها	T ۱۷
۰,۰۹۹	۳	۰,۰۳۳	انحصارطلبی برخی از اعضای هیئت‌مدیره و عدم روحیه تعاون‌گری	T ۱۸
۰,۰۴۲	۳	۰,۰۱۴	عدم اعتماد کافی دستگاه‌های دولتی به توان اعضای و ارکان تعاونی	T ۱۹
۰,۱۲۹	۳	۰,۰۴۳	ضعف نگرش سیستمی در مدیریت تعاونی‌ها	T ۲۰
۰,۰۱۶	۲	۰,۰۰۸	تأثیر رسانه‌ها در کاهش اعتماد به نفس اعضای تعاونی به علت پایین بودن سطح دانش و مهارت	T ۲۱
۳,۴۳			جمع	

عمده‌ترین تهدیدهای فراروی شرکت‌های تعاونی و مشاغل خانگی در توانمندسازی اقشار کم‌درآمد عبارت‌اند از: عدم ثبات سیاسی و اقتصادی کشور (T۶)، وجود رانت در دولت و ممانعت از قدرت‌گیری تعاونی‌ها (T۴)، عدم توجه کافی دولت در عمل به تحقق اهداف اقتصادی بخش تعاون (T۱). ضعیف‌ترین تهدیدها نیز عبارت‌اند از: مصادره اموال شرکت توسط بانک به علت عدم پرداخت به‌موقع اقساط (T۳)، تأثیر رسانه‌ها در کاهش اعتماد به نفس اعضای تعاونی به علت پایین بودن سطح دانش و مهارت علمی آن‌ها (T۲۱)، پایین بودن نظارت وزارتخانه و سازمان‌های مربوط روی کیفیت کار تعاونی (T۲).

بدیهی است که شرکت‌های تعاونی در راستای توانمندسازی اقشار فقیر تحت پوشش خود و یا سایر افراد ضعیف و آسیب‌پذیر جامعه دارای یک سری نقاط قوت در

۱۲۴ فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۳۶، پاییز ۱۳۹۷

زمینه‌های مختلف می‌باشند. این نقاط قوت برحسب ضریب، نمره و وزن نهایی مربوط به هر کدام در جدول شماره (۵) قابل مشاهده و تحلیل می‌باشد.

جدول ۵- نتایج تجزیه و تحلیل عوامل داخلی (نقاط قوت) در برنامه‌ریزی (IFE)

ردیف	نقاط قوت	ضریب	نمره	وزن نهایی
S1	ایجاد اشتغال از سوی تعاونی‌های تولیدی، توزیعی و مشاغل خانگی	۰,۱۹۰	۴	۰,۷۶
S2	برخوررداری از تسهیلات و اعتبارات مورد نیاز	۰,۱۱۷	۴	۰,۴۶۸
S3	امکان افزایش میزان درآمد و توانایی مالی افراد	۰,۱۲۸	۳	۰,۳۸۴
S4	جذب و بکارگیری سرمایه‌ها و پس‌اندازهای اندک افراد	۰,۰۹۵	۳	۰,۲۸۵
S5	کاهش هزینه‌های تولید از سوی تعاونی‌ها	۰,۰۷۴	۲	۰,۱۴۸
S6	ارائه خدمات رفاهی در زمینه شغلی	۰,۰۷۰	۲	۰,۱۴
S7	تولید اشتراکی به منظور کاهش هزینه‌های تولید	۰,۰۴۳	۲	۰,۰۸۶
S8	توانایی بخش تعاون در جلوگیری از کارفرمای مطلق شدن دولت	۰,۰۴۵	۳	۰,۱۳۵
S9	برگزاری دوره‌های آموزشی فرهنگ تعاون و مقررات کسب‌وکار	۰,۰۲۸	۲	۰,۰۵۶
S10	افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی و خانواده‌مداری	۰,۰۲۴	۳	۰,۰۷۲
S11	بالا رفتن حس مشارکت و کار گروهی	۰,۰۲۳	۳	۰,۰۶۹
S12	وجود نیروی انسانی ماهر و متخصص	۰,۰۲۰	۳	۰,۰۶
S13	افزایش سطح آگاهی از طریق برگزاری مجامع عمومی	۰,۰۱۰	۲	۰,۰۲
S14	امکان مشارکت و همفکری بین اعضای تعاونی‌ها	۰,۰۱۸	۳	۰,۰۵۴
S15	بهره‌مندی از نیروهای جوان و خلاق	۰,۰۱۹	۲	۰,۰۳۸
S16	افزایش اعتماد به نفس	۰,۰۱۰	۲	۰,۰۲
S17	افزایش احساس معنی‌داری با خوداشتغالی و مشارکت	۰,۰۰۷	۲	۰,۰۱۴
S18	بیان مشکلات و نقطه نظرات با آزادی کامل	۰,۰۰۶	۲	۰,۰۱۲
S19	خلاقیت و روحیه کارآفرینی مدیران	۰,۰۷۳	۴	۰,۲۹۲
	جمع	۱		۳,۱۱۳

عمده‌ترین نقاط قوت شرکت‌های تعاونی و مشاغل خانگی در راستای توانمندسازی اقشار کم‌درآمد عبارت‌اند از: ایجاد اشتغال از سوی تعاونی‌های مختلف تولید، توزیع و مشاغل خانگی (S۱)، برخورداری از تسهیلات و اعتبارات مورد نیاز (S۲) و امکان افزایش میزان درآمد و توانایی مالی افراد (S۳). ضعیف‌ترین نقاط قوت به لحاظ وزن نهایی نیز عبارت‌اند از: بیان مشکلات و نقطه نظرات با آزادی کامل (S۱۸)، افزایش احساس معنی‌داری با خوداشتغالی و مشارکت (S۱۷) و افزایش سطح آگاهی از طریق برگزاری مجامع عمومی (S۱۳).

نقاط ضعفی که شرکت‌های تعاونی در مسیر توانمندسازی اقشار فقیر با آن مواجه هستند نیز در جدول شماره (۶) برحسب ضریب، نمره و وزن نهایی لیست شده و قابل مشاهده می‌باشد.

جدول ۶- نتایج تجزیه و تحلیل عوامل داخلی (نقاط ضعف) در برنامه‌ریزی (IFE)

ردیف	نقاط ضعف	ضریب	نمره	وزن نهایی
W۱	کمبود نقدینگی و سرمایه در گردش	۰,۰۸۶	۳	۰,۲۵۸
W ۲	عدم حمایت بانک‌ها و مؤسسات جهت ارائه تسهیلات	۰,۰۹۲	۴	۰,۳۶۸
W ۳	عدم حمایت بخش دولتی در ارائه تسهیلات ویژه	۰,۱۰۷	۴	۰,۴۲۸
W ۴	وابستگی به تسهیلات از سوی تعاونی‌ها	۰,۰۵۶	۳	۰,۱۶۸
W ۵	عدم دریافت به‌موقع وام و تسهیلات	۰,۰۸۷	۴	۰,۳۴۸
W ۶	طولانی بودن فرآیند اعطای تسهیلات	۰,۰۸۴	۴	۰,۳۳۶
W ۷	افزایش هزینه‌های فروش	۰,۰۲۱	۲	۰,۰۴۲
W ۸	ابزار و تجهیزات قدیمی	۰,۰۰۷	۲	۰,۰۱۴
W ۹	طولانی بودن زمان تولید محصول	۰,۰۰۵	۲	۰,۰۱
W۱۰	دارا بودن شرایط بسیار سخت جهت دریافت تسهیلات	۰,۰۸۵	۴	۰,۳۴
W۱۱	حذف یا کاهش بسیاری از درآمدها در نتیجه سیاست‌های دولت مانند واگذاری به بخش خصوصی و شرکت‌های موازی	۰,۰۸۰	۳	۰,۲۴

۰,۰۳۸	۲	۰,۰۱۹	قدرت رقابت پایین شرکتهای تعاونی کوچک	W ۱۲
۰,۰۰۳	۲	۰,۰۱۵	ضعف همدمی بین مدیران عامل و ارکان شرکتها در پیشبرد اهداف	W ۱۳
۰,۰۰۹	۳	۰,۰۳۰	عدم آشنایی و آگاهی هیئت‌مدیره و بازرسان تعاونی‌ها به وظایف و تکالیف قانونی خود	W ۱۴
۰,۰۲۲	۲	۰,۰۱۱	دانش و تفکرات سنتی حاکم بر تعاونی‌ها و نبود دانش به‌روز	W ۱۵
۰,۰۶۳	۳	۰,۰۲۱	روحیه پایین مشارکت‌جویی و مسئولیت‌پذیری	W ۱۶
۰,۰۰۲	۲	۰,۰۱۰	ضعف فعالیت‌های شبکه‌ای اتحادیه‌ها و شرکتهای تعاونی	W ۱۷
۰,۰۰۵	۲	۰,۰۲۵	عدم به‌کارگیری نیروهای مجرب و متخصص در انجام امور	W ۱۸
۰,۰۱۲	۳	۰,۰۴۰	عدم تدوین برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت در تعاونی‌ها	W ۱۹
۰,۰۴۲	۳	۰,۰۱۴	فقدان نظارت و کنترل کافی و نبود سازوکارهای مناسب برای حل و فصل معضلات اجتماعی	W ۲۰
۰,۰۱۲	۲	۰,۰۰۶	ضعف سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در برگزاری کلاس‌های آموزشی	W ۲۱
۰,۰۶۹	۳	۰,۰۲۳	عدم اعتماد به تعاونی‌ها	W ۲۲
۰,۲۱۶	۴	۰,۰۵۴	عدم شایستگی مدیران تعاونی	W ۲۳
۰,۰۴۴	۲	۰,۰۲۲	تأثیر اندک تعاونی‌ها در افزایش توانایی‌های شخصیتی افراد	W ۲۴
۳,۳۶۸			جمع	

عمده‌ترین نقاط ضعف شرکتهای تعاونی و مشاغل خانگی در راستای توانمندسازی اقشار کم‌درآمد بر اساس جدول ۶ عبارت‌اند از: عدم حمایت بخش دولتی در ارائه تسهیلات ویژه (W۳)، عدم حمایت بانک‌ها و مؤسسات جهت ارائه تسهیلات (W۲) و عدم دریافت به‌موقع وام و تسهیلات (W۵). نقاط ضعف دارای اهمیت پایین نیز عبارت‌اند از: طولانی بودن زمان تولید محصول (W۹)، ضعف سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در برگزاری کلاس‌های آموزشی (W۲۱) و ابزار و تجهیزات قدیمی (W۸). باز هم نکته قابل‌توجه شمولیت بیشتر حوزه اقتصادی در ارتباط با نقاط ضعف و به‌طور ویژه نیاز شدید شرکتهای تعاونی به تسهیلات و اعتبارات جهت توانمندسازی اقشار فقیر تحت پوشش خود یا سایر اقشار ضعیف و آسیب‌پذیر جامعه خودنمایی کرده است.

تجزیه و تحلیل عوامل استراتژیک (SFAS)^۱

با ترکیب جدول تجزیه و تحلیل عوامل خارجی و داخلی، می‌توان جدول خلاصه تجزیه و تحلیل عوامل استراتژیک را استخراج کرد. با کمک این جدول می‌توان عوامل استراتژیک مجموعه را خلاصه کرد. فردی که تصمیم‌های استراتژیک را اتخاذ می‌کند با توجه به جدول (SFAS) این فرصت را دارد که کلیه عوامل S، W، O و T را به تعداد عامل کمتری محدود کند. این کار با بررسی دوباره وزن‌های هر یک از جداول عوامل EFE و IFE انجام می‌گیرد. در واقع سنگین‌ترین عوامل موجود در این دو جدول از حیث وزن، باید به جدول تجزیه و تحلیل عوامل استراتژیک منتقل گردند (جدول شماره ۷).

جدول ۷- نتایج تجزیه و تحلیل عوامل استراتژیک (SFAS) در برنامه‌ریزی‌ها

عوامل استراتژیک	وزن	رتبه‌بندی	امتیاز وزنی	برنامه‌ریزی		
				کوتاه‌مدت	میان‌مدت	بلندمدت
فرصت‌ها	۰,۱۶۸	۴	۰,۶۷۲	*		
	۰,۱۱۸	۴	۰,۴۷۲		*	
	۰,۱۰۵	۴	۰,۴۲	*		
	۰,۰۹۳	۴	۰,۳۷۲	*		
	۰,۰۶۱	۳	۰,۱۸۳		*	

1. Strategic Factors Analysis Summary (SFAC).

		*	۰,۱۶۸	۳	۰,۰۵۶	وجود قوانین و مقررات اجرایی گوناگون در حمایت از تعاونی‌ها	
*			۰,۱۵۶	۳	۰,۰۵۲	از بین رفتن بخشی از تحریم‌های وسیع در بازار تولید و فروش محصولات	
*			۰,۱۲۹	۳	۰,۰۴۳	وجود بازارهای داخلی و خارجی جهت فروش و عرضه محصولات	
	*		۰,۱۱۷	۳	۰,۰۳۹	تمایل بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در شبکه‌های تعاون	
	*		۰,۰۸۱	۳	۰,۰۲۷	وجود فراکسیون تعاون در مجلس برای رفع مشکلات قانونی بخش تعاون	
		*	۰,۰۷۵	۳	۰,۰۲۵	وجود پتانسیل بالای نیروی تحصیل کرده و جویای شغل	
*			۰,۶۷۲	۴	۰,۱۶۸	عدم ثبات اقتصادی و سیاسی کشور	تهدیدها
*			۰,۵۱۲	۴	۰,۱۲۸	وجود رانت در دولت و ممانعت از قدرت‌گیری تعاونی‌ها	
	*		۰,۴۰۸	۴	۰,۱۰۲	عدم توجه کافی دولت در عمل به تحقق اهداف اقتصادی بخش تعاون	
*			۰,۲۸۸	۴	۰,۰۷۲	موازی کاری در امور مربوط به بخش تعاون	
		*	۰,۲۴	۳	۰,۰۸۰	سو استفاده مالی و اعتباری از سیاست‌های توسعه تعاونی‌ها	
		*	۰,۲۰۴	۳	۰,۰۶۸	دخالت دولت در امور تعاونی به جای حمایت و اقدام مفید برای آن‌ها	
	*		۰,۱۵	۳	۰,۰۵۰	بی‌اعتمادی به دولت و قانون به واسطه تخلف تعاونی‌ها	
*			۰,۱۳۲	۳	۰,۰۴۴	توسعه‌نیافتگی فرهنگ تعاون و عدم شناخت توانمندی‌ها و مزایای آن	

راهنکارهای توانمندسازی اقشار کم‌درآمد با ... ۱۲۹

		*	۰,۱۳۲	۴	۰,۰۳۳	تسهیلات اعتباری با درصد بالا و بازپرداخت سریع آن با شرایطی نابرابر
*			۰,۱۲۹	۳	۰,۰۴۳	ضعف نگرش سیستمی در مدیریت تعاونی‌ها
*			۰,۱۱۴	۳	۰,۰۳۸	رواج نگرش منفی در اهمیت پایین شرکت‌های تعاونی و اهدافشان
*			۰,۱۱۱	۳	۰,۰۳۷	از بین رفتن انگیزه در تشکیل تعاونی‌ها
*			۰,۰۷۶	۴	۰,۰۱۹	ایجاد اشتغال از سوی تعاونی‌های تولیدی، توزیعی و مشاغل خانگی
		*	۰,۴۶۸	۴	۰,۰۱۷	برخورداری از تسهیلات و اعتبارات مورد نیاز
		*	۰,۲۹۲	۴	۰,۰۷۳	خلاقیت و روحیه کارآفرینی مدیران
		*	۰,۲۸۵	۳	۰,۰۹۵	جذب و بکارگیری سرمایه‌ها و پس‌اندازهای اندک افراد
	*		۰,۱۴۸	۲	۰,۰۷۴	کاهش هزینه‌های تولید از سوی تعاونی‌ها
		*	۰,۰۱۴	۲	۰,۰۷۰	ارائه خدمات رفاهی در زمینه شغلی
*			۰,۱۳۵	۳	۰,۰۴۵	توانایی بخش تعاون در جلوگیری از کارفرمای مطلق شدن دولت
		*	۰,۰۸۶	۲	۰,۰۴۳	تولید اشتراکی به منظور کاهش هزینه‌های تولید
	*		۰,۰۷۲	۳	۰,۰۲۴	افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی و خانوادهمداری
		*	۰,۰۰۶	۳	۰,۰۲۰	وجود نیروی انسانی ماهر و متخصص
		*	۰,۰۵۶	۲	۰,۰۲۸	برگزاری دوره‌های آموزشی

قوت‌ها

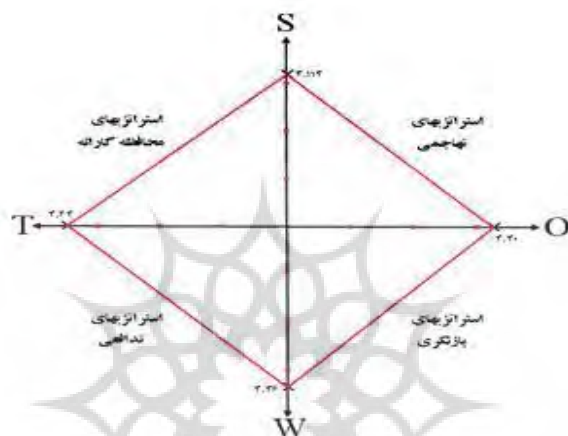
						فرهنگ تعاون و مقررات کسب‌وکار
*			۰,۴۲۸	۴	۰,۱۰۷	عدم‌حمایت بخش دولتی در ارائه تسهیلات ویژه
	*		۰,۳۶۸	۴	۰,۰۹۲	عدم‌حمایت بانکها و مؤسسات جهت ارائه تسهیلات
		*	۰,۳۴۸	۴	۰,۰۸۷	عدم دریافت به‌موقع وام و تسهیلات
		*	۰,۳۴	۴	۰,۰۸۵	دارا بودن شرایط بسیار سخت جهت دریافت تسهیلات
*			۰,۰۱	۲	۰,۰۰۵	طولانی بودن زمان تولید محصول
*			۰,۲۵۸	۳	۰,۰۸۶	کمبود نقدینگی و سرمایه در گردش
*			۰,۲۴	۳	۰,۰۸۰	حذف یا کاهش بسیاری از درآمدها در نتیجه سیاست‌های دولت
		*	۰,۲۱۶	۴	۰,۰۵۴	عدم شایستگی مدیران تعاونی
	*		۰,۱۶۸	۳	۰,۰۵۶	وابستگی به تسهیلات از سوی تعاونی‌ها
*			۰,۱۲	۳	۰,۰۴۰	عدم تدوین برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت در تعاونی‌ها
		*	۰,۰۹	۳	۰,۰۳۰	عدم آگاهی هیئت‌مدیره و بازرسان تعاونی‌ها به وظایف و تکالیف قانونی خود
*			۰,۰۶۹	۳	۰,۰۲۳	عدم اعتماد به تعاونی‌ها

ضعف‌ها

جدول ۷ نشان می‌دهد که در مجموع ۱۱ مورد به‌عنوان فرصت، ۱۲ مورد به‌عنوان تهدید، ۱۱ مورد به‌عنوان نقطه قوت و ۱۱ مورد دیگر برای نقاط ضعف البته با توجه به وزن آن‌ها انتخاب گردید.

ماتریس ارزیابی موقعیت و اقدام استراتژیک

وزن نهایی نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید به ترتیب ۳،۱۱، ۳،۳۶، ۳،۳۰ و ۳،۴۳ بوده که در محور شبیه دستگاه مختصات به هم متصل شده و ماتریس ارزیابی موقعیت و اقدام استراتژیک به شکل زیر تشکیل گردیده است.



نمودار ۲- ماتریس ارزیابی موقعیت و اقدام استراتژیک

نمودار ۲ نشان می‌دهد که کشیدگی آن به سمت نقاط ضعف و تهدیدها میل دارد که خود برنامه‌ریزی جامع برای مقابله با تهدیدات و نقاط ضعف را ضرورت می‌بخشد. اما همان‌طور که قابل مشاهده است، این کشیدگی در مقایسه با نقاط قوت و فرصت‌ها ناچیز بوده و تقریباً کشیدگی یکسانی به هر طرف دارد. با این وجود در کل با توجه به نمودار و کشیدگی آن به سمت راهبرد تدافعی، راهبرد تدافعی بهترین راهبرد شناخته می‌گردد. به این ترتیب راهبردهای بازنگری، محافظه‌کارانه و تهاجمی نیز در اولویت‌های بعدی اهمیت قرار می‌گیرند. به عبارتی برای دست یافتن به وضعیت ایده آل در خصوص توانمندی اقشار فقیر به‌واسطه تعاونی‌ها نیاز است تا اقدامات پیشنهادی در قالب اولویت راهبردی بالا ارائه گردد. بر این اساس اولویت اقدامات راهبردی در جدول شماره (۸) آمده است.

جدول ۸- اولویت‌بندی اقدامات راهبردی

اولویت اول اقدامات راهبرد تدافعی (WT)	اولویت دوم اقدامات راهبرد بازنگری/ انطباقی (WO)	اولویت سوم اقدامات راهبردی تنوع/ اقتضایی (ST)	اولویت چهارم اقدامات راهبردی تهاجمی/ رقابتی (SO)
۱- کاهش وابستگی به تسهیلات ویژه دولت و جلوگیری از دخالت دولت در امور تعاونی به جای حمایت یا اقدام مفید.	۱- استفاده از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به منظور عدم وابستگی صرف به تسهیلات ویژه دولتی.	۱- بهره‌گیری از مدیران خلاق و کارآفرین در حوزه تعاون به منظور حل و فصل امور در وضعیت بی‌ثبات سیستم اقتصادی و سیاسی کشور.	۱- حمایت دولت از بخش تعاونی برای اشتغال افراد فقیر و آسیب‌پذیر جامعه در برنامه‌های توسعه.
۲- کاهش وابستگی به انواع تسهیلات حمایتی بانک‌ها و مؤسسات و دوری از دریافت تسهیلات اعتباری دارای شرایط دشوار و بعضاً غیرممکن.	۲- حمایت دولت از بخش تعاونی طبق اصل ۴۴ قانون اساسی به صورت نظارت مستمر در ارائه به موقع تسهیلات و اعتبارات بانک‌ها و مؤسسات به تعاونی‌ها.	۲- جلوگیری هرچند ناچیز از رانت‌خواری حاصل از سیستم دولتی به واسطه توانمندسازی بخش تعاون در قالب اصل ۴۴ قانون اساسی.	۲- ارائه طرح توجیهی از سوی تعاونی‌ها به منظور برخورداری از تسهیلات و اعتبارات هرچه بیشتر؛ اعطای تسهیلات ویژه به تعاونی‌ها به منظور جذب و بکارگیری سرمایه‌ها و پس‌اندازهای اندک افراد در راستای خصوصی‌سازی.
۳- کاهش مشکلات جانبی مربوط به عدم دریافت به موقع وام و تسهیلات و جلوگیری از رخنه رانت‌خواری در سیستم تعاون.	۳- تدوین قوانین و مقررات اجرایی گوناگون به منظور فراهم ساختن مکانیسم صحیح اعطای تسهیلات و اعتبارات از سوی بانک‌ها و سهولت دریافت آن از سوی تعاونی‌ها.	۳- جذب و بکارگیری سرمایه‌ها و پس‌اندازهای اندک افراد وابستگی به ملاحظات اقتصادی دولت در خصوص تعاونی‌ها.	۳- اعطای تسهیلات ویژه به تعاونی‌ها به منظور جذب و بکارگیری سرمایه‌ها و پس‌اندازهای اندک افراد در راستای خصوصی‌سازی.
۴- کاهش زمان تولید محصول شرکت‌های تعاونی در وضعیت بی‌ثبات سیستم اقتصادی و سیاسی کشور.	۴- ارائه تسهیلات ویژه از سوی دولت و سایر سازمان‌های مرتبط با حوزه تعاون به منظور کاهش زمان تولید محصول در شرکت‌های تعاونی.	۴- کاهش و یا از بین بردن بخشی از محدودیت‌های مرتبط با شرایط دشوار ارائه تسهیلات به شبکه تعاون به واسطه استفاده از جذب و بکارگیری سرمایه و پس‌اندازهای اندک از سوی تعاونی‌ها و اشتغال‌زایی حاصل از آن.	۴- ارتقاء خلاقیت و روحیه کارآفرینی مدیران شرکت‌های تعاونی از طریق حمایت‌های گوناگون از سوی سازمان‌های مختلف ذی‌ربط در حوزه تعاون.
۵- افزایش نقدینگی و سرمایه در گردش و جلوگیری از موازی کاری در امور مربوط به بخش تعاون.	۵- استفاده شرکت‌های تعاونی از بازارهای داخلی و خارجی فروش و عرضه محصولات به منظور افزایش نقدینگی و سرمایه در گردش.	۵- کاهش هزینه‌های تولید و فروش در تعاونی‌ها به منظور وابستگی اندک به دریافت تسهیلات اعتباری	۵- بهبود وضع تولید و فروش محصولات تعاونی‌ها با گسترش بازارهای داخلی و خارجی حاصل از حذف برخی از تحریم‌های وسیع در بازار تولید و فروش محصولات.
۶- کاهش اثربخشی سیاست‌های غلط دولت در زمینه حذف یا کاهش بسیاری از درآمدها و ایجاد			۶- ارائه خدمات رفاهی در زمینه شغلی برای

<p>تعاونی‌ها در چارچوب تحقق اهداف توسعه همه‌جانبه از سوی دولت. ۷- برخورداری از دریافت تسهیلات و اعتبارات زیاد با استفاده از قوانین و مقررات اجرایی گوناگون در حمایت از تعاونی‌ها. ۸- استفاده از تمایل بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در روستای توانمندی تعاونی‌ها و جلوگیری از کارفرمای مطلق شدن دولت ۹- اولویت توجه به قشر فقیر و آسیب‌پذیر جامعه از سوی دولت به منظور افزایش میزان درآمد و توانایی مالی آنها ۱۰- استفاده از پتانسیل بالای نیروی تحصیل‌کرده و جوانی‌های شغل جهت تقویت هرچه بیشتر مهارت و تخصص مورد نیاز در تعاونی‌ها.</p>	<p>دارای شرایط دشوار. ۶- برخورداری از تسهیلات و اعتبارات مورد نیاز تعاونی‌ها برای جلوگیری از سوء استفاده مالی و اعتباری از سیاست‌های توسعه تعاونی‌ها. ۷- استفاده از قدرت تولید اشتراکی در شرکت‌های تعاونی به منظور جبران بخشی از مشکلات مرتبط با ضعف حمایت‌های دولت. ۸- افزایش مسئولیت‌پذیری حاصل از تولید اشتراکی به منظور کاهش تخلفات در حوزه تعاون و به واسطه آن شکل‌گیری نوعی اعتماد به دولت در بین آحاد جامعه. ۹- برگزاری دوره‌های آموزشی فرهنگ تعاون و مقررات کسب‌وکار در راستای توسعه فرهنگ تعاون و شناخت توانمندی‌ها و مزایای آن. ۱۰- جبران ضعف نگرش سیستمی با بکارگیری مدیران خلاق و دارای روحیه کارآفرین. ۱۱- استفاده از خدمات و تسهیلات مختلف برای رونق تعاونی‌ها در راستای کاهش انگیزه در تشکیل تعاونی‌ها.</p>	<p>۶- تلاش دولت در جهت یکپارچه‌سازی و ادغام سازمان‌های متعدد دخیل در امر تعاون به منظور بهبود گردش مالی و افزایش درآمد شرکت‌های تعاونی. ۷- بازنگری در قوانین و مقررات گوناگون حوزه تعاون به منظور بکارگیری مدیران شایسته و کارآمد. ۸- کاهش وابستگی شرکت‌های تعاونی به تسهیلات به کمک حذف بخشی از تحریم‌های وسیع در حوزه‌های مختلف ۹- استفاده از فراکسیون تعاون در مجلس برای رفع مشکلات قانونی در تدوین برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت در تعاونی‌ها. ۱۰- تدوین قوانین و مقررات مناسب در خصوص آگاهی هیئت‌مدیره و بازرسان تعاونی به وظایف و تکالیف قانونی خود. ۱۱- تلاش همه‌جانبه دولت در وضع قوانین و سیاست‌گذاری‌های مناسب برای رفع عدم اعتماد به تعاونی‌ها.</p>	<p>تصمیمات در جلوگیری از عدم توجه کافی دولت به تعاون. ۷- جلوگیری از توسعه نیافتگی فرهنگ تعاون و عدم شناخت توانمندی‌ها و مزایای آن از طریق ارتقاء شایستگی و کارآمدی مدیران تعاونی. ۸- کاهش وابستگی به تسهیلات از سوی تعاونی‌ها و جلوگیری از سوء استفاده‌های مالی و اعتباری از سیاست‌های توسعه تعاونی. ۹- رفع مشکل عدم تدوین برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت و جلوگیری از ضعف نگرش سیستمی در مدیریت تعاونی‌ها. ۱۰- افزایش سطح آگاهی هیئت‌مدیره و بازرسان تعاونی‌ها به وظایف و تکالیف قانونی خود برای جبران نگرش منفی نسبت به شرکت‌های تعاونی و اهدافشان.</p>
---	--	---	---

نتیجه‌گیری

این مقاله کوشید تا نشان دهد که اقشار ضعیف و کم‌درآمد از منظر توانمندی در چه وضعیتی قرار داشته و شرکت‌های مادر تخصصی و تعاونی در همین زمینه چگونه عمل کرده، با کدام چالش‌ها مواجه هستند و راهکارهای برون‌رفت از چالش‌های موجود چه می‌تواند باشد. همچنین الگوی راهبردی برای توانمندسازی اقشار ضعیف و کم‌درآمد به‌واسطه مشاغل خانگی و شرکت‌های تعاونی چه الگویی می‌تواند باشد. نتایج حاکی از آن است که به‌طور کلی وضعیت توانمندی اقشار فقیر تحت پوشش شرکت‌های تعاونی چندان رضایت‌بخش نبوده و در این خصوص شرکت‌های تعاونی نیز چندان موفق عمل نکرده‌اند. این اقشار به لحاظ توانمندی اقتصادی وضعیت به‌مراتب بدتری را در مقایسه با وضعیت اجتماعی و روانی خود دارند.

در واقع وضعیت درآمدی، قدرت پس‌انداز، برخورداری از انواع تسهیلات و اعتبارات، تأمین هزینه‌های تولید، فروش محصولات تولیدی و... مربوط به اقشار یادشده نامطلوب است. عملکرد شرکت‌های تعاونی نیز کاملاً با این موضوع همخوانی داشته و نشان می‌دهد که عملکرد آن‌ها در توانمندسازی اقتصادی این اقشار نازل‌تر از ملاحظات اجتماعی و روانی است. این در حالی است که بررسی‌ها نشان می‌دهند که عملکرد اقتصادی تعاونی‌ها در توانمندسازی به معنای واقعی اقشار فقیر، بسیار می‌تواند مؤثرتر از عملکردهای دیگر باشد. به عبارتی، ملاحظات اجتماعی و روانی از سوی شرکت‌های تعاونی فقط با توانمندی اقتصادی است که معنی پیدا کرده و بدون آن بیهوده به نظر می‌رسند.

بنابراین در وهله اول می‌بایست ملاحظات اقتصادی در خصوص توانمندی اقشار فقیر از سوی شرکت‌های تعاونی اعمال گردیده و به چالش‌های موجود در این زمینه توجه گردد. بنابراین علت عدم توانمندی یا توانمندی ضعیف اقشار فقیر تحت پوشش شرکت‌های تعاونی به این موضوع برمی‌گردد که خود این شرکت‌ها نیز با مشکلات عدیده‌ای در سیستم داخلی و خارجی خود مواجه هستند. به همین دلیل است که این

فعالیت‌ها در کشور ایران عمدتاً به صورت انفرادی انجام می‌گیرند و تنها درصد ناچیزی از آن در چارچوب شرکت‌های مادر تخصصی و هلدینگ‌ها فعالیت دارند. بر این اساس عامل اصلی اصرار بر فعالیت‌های انفرادی در زمینه مشاغل خانگی و عدم رغبت زیاد به فعالیت در چارچوب شرکت‌های مادر تخصصی و تعاونی‌ها در بین اقشار و طبقات کم‌درآمد به عدم توانمندی شرکت‌های تعاونی و مادر تخصصی در این خصوص مربوط می‌شود.

نتایج نشان می‌دهد که برای توانمندی اقشار فقیر توسط شرکت‌های تعاونی لازم است که ابتدا شرکت‌های تعاونی ابزار این کار را داشته و در واقع خودشان توانمند باشند. در این خصوص اولویت با ملاحظات اقتصادی است که باید مورد توجه قرار گیرند و ملاحظات اجتماعی و روانی در اولویت‌های بعدی و مشروط بر ملاحظات اقتصادی هستند. مؤلفه‌هایی مانند رضایت شغلی، میزان درآمدها، قدرت پس‌انداز، دسترسی به وام و تسهیلات دیگر، مبلغ وام دریافتی، مبلغ اقساط پرداختی، زمان و نحوه بازپرداخت وام، دسترسی به سرمایه‌های موجود و توانمندی مالی برای ایجاد کسب‌وکار جدید اجتماعی در چارچوب ملاحظات اقتصادی می‌بایست در اولویت اول اقدامات مورد توجه نهادهای زیر ربط باشند. اقدامات اولویت‌دار بعدی به ملاحظات اجتماعی مانند: تعامل و ارتباط با تشکل‌های فعالیتی، تعامل و ارتباط با کارشناسان رشته شغلی، شرکت در کلاس‌های آموزشی، تمایل به عضویت در تشکل‌ها، مشارکت در تصمیم‌گیری و اجرای فعالیت‌های مختلف، مسئولیت‌پذیری در راه‌اندازی کسب‌وکارهای جدید، آشنایی با قوانین و مقررات کسب‌وکارهای جدید، آگاهی از حمایت‌های دولت، آشنایی با بازارهای جدید و آگاهی از برنامه‌های آموزشی و خدمات حمایتی تشکل مربوط می‌شود که در سرلوحه برنامه‌های مربوط به نهادهای زیر ربط می‌بایست قرار گیرد.

در نهایت اقدامات در زمینه توانمندسازی روانی شاغلان این حوزه‌ها مربوط می‌شود که احساس شایستگی (خودکارآمدی)، احساس اعتماد، احساس مؤثر بودن،

احساس معنی‌دار بودن و احساس آزادی عمل از مؤلفه‌های مورد توجه در این زمینه است. اما الگوی استراتژیک رسیدن به این مهم به ترتیب بر اساس اقدامات راهبردی تدافعی، بازنگری، محافظه‌کارانه و تهاجمی حاصل گردید. به عبارتی دستیابی به توانمندی اقشار کم‌درآمد توسط تعاونی‌ها و برون‌رفت از وضع موجود در این خصوص نیازمند این است که با اقدامات راهبردی تدافعی شروع و پس از گذر از اقدامات بازنگری، محافظه‌کارانه و در نهایت تهاجمی به وضعیت ایده‌آل نائل شویم. بنابراین همان‌طور که مشاهده می‌گردد توانمندی اقشار فقیر توسط تعاونی‌ها هنوز در اول راه بوده و نیاز به برنامه‌ریزی‌های مختلف کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت در این خصوص دارد. لازم به ذکر است که با توجه به سنگینی وزن مربوط به عوامل اقتصادی، شکل‌گیری الگوی یادشده تا حد زیادی به سمت و سوی الگوی اقتصادی سوق دارد. در واقع الگوی نهایی پژوهش به‌عنوان یک الگوی اقتصادی، دستیابی به توانمندی اقشار کم‌درآمد توسط تعاونی‌ها و مشاغل خانگی و برون‌رفت از وضع موجود در این خصوص را معلول بکارگیری اقدامات راهبردی تدافعی در ابتدای کار و پس از گذر از اقدامات بازنگری و محافظه‌کارانه، بهره‌گیری از اقدامات راهبردی تهاجمی می‌داند.

منابع

- احمدی شادمهری، محمد طاهر. (۱۳۸۴). تعاون، توسعه منطقه‌ای و دولت، مجموعه مقالات همایش تعاون و توسعه منطقه‌ای، اداره تعاون شهرستان تربت‌حیدریه.
- اشتری، بهناز. (۱۳۸۲). پیامدهای توانمندسازی زنان در حرفه وکالت، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۵.
- بانک جهانی. (۱۳۸۱)، گزارش توسعه جهانی ۲۰۰۱-۲۰۰۰ میارزه با فقر. ترجمه: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و دیگران)، چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- بلانچارد، کن؛ جان کارلوس و آلن راندولف. (۱۹۹۶)، مدیریت تواناسازی کارکنان، مهدی ایران‌نژاد پاریزی، تهران: انتشارات مدیران، ۱۳۸۱، چاپ دوم.
- خنیفر، حسین؛ حسینی فرد، سید مجتبی. (۱۳۹۲)، مدیریت تعاونی‌ها وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، معاونت تعاون.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ سجاسی قیداری، حمداله. (۱۳۸۹)، توسعه روستایی با تأکید بر کارآفرینی (تعاریف، دیدگاه‌ها و تجربیات)، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- سروش مهر، هما؛ رفیعی، حامد؛ کلاتری، خلیل؛ شعبانعلی فمی، حسین. (۱۳۸۹)، بررسی پایگاه اقتصادی- اجتماعی زنان روستایی و عوامل مؤثر بر بهبود آن (مطالعه موردی: شهرستان همدان)، پژوهش‌های روستایی، دوره ۱، شماره ۱.
- شادی‌طلب، ژاله و دیگران. (۱۳۸۴)، فقر درآمدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار، فصلنامه علمی- پژوهشی اجتماعی، سال چهارم، ۱۷، ۳۸.
- شادی‌طلب، ژاله. (۱۳۸۳)، فقر زنان سرپرست خانوار، پژوهش زنان، مرکز مطالعات و تحقیقات زنان، دانشگاه تهران.
- شکوری، علی؛ رفعت‌جاه، مریم؛ جعفری بهتاش، معصومه. (۱۳۸۶)، مؤلفه‌های توانمندی زنان و تبیین عوامل مؤثر بر آنها، پژوهش زنان، دوره ۵، شماره ۱.
- علیپور، حمیدرضا. (۱۳۸۸)، بررسی عوامل توانمندسازی بخش تعاون در استان گیلان با تأکید بر تقویت بنگاه‌های کوچک و متوسط و انجام فعالیت‌های گسترده و اداره بنگاه‌های بزرگ اقتصادی، مجله تعاون، سال بیستم، شماره ۲۱۰ و ۲۱۱.

- فرجی سبکیار، حسنعلی؛ خاکی، افشین؛ نعمتی، مرتضی. (۱۳۸۸)، ارزیابی نقش ICT در توانمندسازی زنان روستایی مطالعه موردی: روستای قرن‌آباد، نشریه انجمن جغرافیای ایران، دوره ۷، شماره ۲۲.

- کبیر، نایلا. ۱۳۸۹. جنسیت و توانمندی، ترجمه: اعظم خاتم. تهران: انتشارات آگاه.
- کتابی، محمود؛ یزدخواستی، بهجت؛ فرخی راستایی، زهرا. (۱۳۸۴)، پیش‌شرطها و موانع توانمندسازی زنان مطالعه موردی زنان شهر اصفهان، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، جلد نوزدهم؛ شماره ۲.

- لانگه، سارا، ۱۳۷۶. نقش زنان در توسعه، دفتر امور زنان ریاست جمهوری، تهران: انتشارات روشنگران، چاپ دوم.

- محمدی، فریبرز. (۱۳۸۷)، عوامل اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی مؤثر بر توانمندی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش بهزیستی استان کرمانشاه سال ۱۳۸۶، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

- میر لطفی، محمود رضا؛ علوی زاده، سید امیرمحمد؛ بدخش، یوسف. (۱۳۹۱)، آسیب‌شناسی اثرات توسعه مشاغل خانگی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: روستاهای بخش دیشموک شهرستان کهگیلویه)، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، سال سوم، شماره پنجم.

- هادی زنوز، بهروز. (۱۳۸۴)، فقر و نابرابری درآمد در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۷.

- Alshebami, A. S. (2015), "*The Role of Microfinance for Empowerment of Poor Women in Yemen*", International Journal of Social Work, Vol. 2, No. 1, pp15-23.
- Bandura, Albert. (2000), "*Cultivate Self-Efficacy for Personal and Organization Effectiveness*". Handbook and Principles of Organization Behavior, Oxford, UK: Blanchwell. PP.120-139.
- Bowen, D. E, and E. E. Lawler. (1995). "*Empowering Service Employee*". Sloan Management. vol. 36, pp. 87-95.
- Conger, J. Rabindra, N, and H. Kanungo. (1998). "*The Empowerment Process: Integrating Theory and Practice*". Academy of Management Review. vol. 13, No 3. pp. 41-782.
- Eklud, L. (1991), "*Form Citizen Participation to Community Empowerment*", University of Tampere.
- Foy, N. (1997). "*Empowering People at Work*". Cambridge: Gower.

- Gweyi. M. O. (2013), "**An Investigation of the Impact of Co-Operative Movement in Rural Development in Kenya**", International Journal of Business and Commerce, Vol. 3, No.2, pp 01-13.
- Kenneth, T. & Velthouse, B.A (1990). "**Cognitive Elements of Empwerment: An Interpretive Model of Instrinsic Task Motivation**". Academy of Management Review. Vol.15, No.4, pp. 667-675.
- Marmot, M. (2004), "**The Status Syndrome: How Social Standing Affects Our Health and Longevity**", New York: Owl Book.
- Mubashir, H. (1991), "**Empowerment, Democracy, Participation and Development South Asia**", Jornal of SID, No.1, p.99.
- Norma D'Annunzio-Gree and John Macandrew. (1999); "**Re-empowering the empowered - the ultimate challenge?**", personnel Review; Vol.28; No.3; PP.258-278.
- Olabisi, T. A; MacDonald U. U; Emmanuela A. O. (2015), "**Effect of Cooperative Membership on the Economic Empowerment of Women in Osun State of Nigeria**", nternational Journal of Business and Economics Research, 4(2):pp 21-29
- Robbins, S. p. (1999), "**Organizational Behavior**", USA: Pprentice-Hall.
- Schoell, W. Dessler, G. & Reinecke, J. (1993). "**Introduction to Business**". Allyn & Bacon: USA.
- Spreitzer, G. M.. (1995), "**Psychological Empowerment In the Workplace: Dimensions, Measurement, and Validation**". *The Academy of Management Journal*, Vol. 38, No. 5, pp1442-1465.
- Spreitzer, G. M. (1997), "**Toward a Common Ground in Defining Empowerment**", *Research in Organizational Change and Development*, Vol.10, pp 31-62.
- Stromquist,N. p. (1995). "**the theoretical and practical bases for empowerment in women**", education and empowerment pathways towards autonomy. Carolyn model-anouevo,ed.hamburg jermany. Paris:unesco